



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۶۴

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

شنبه سوم آبان ماه ۱۳۰۹ - ۲ جمادی الثانیه ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالیانه
داخله ۱۰۰ تومان
خارجی ۱۲۰ تومان
تک شماره : بکقران

مطلبه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز شنبه سوم آبان ماه ۱۳۰۹ هـ (۲ جمادی الثانیه ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تصویب دو فقره مرخصی
- ۳) شور لایحه صیانت آثار ملی
- ۴) موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس پنجشنبه اول آبان ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

خبر مرخصی آقای بیات

نماینده محترم آقای مرتضی قلیخان بیات از تاریخ اول آبان ۱۳۰۹ تقاضای چهارده روز مرخصی نموده و پنججاه تومان از حقوق اینمدت را بانظارت مؤسسه شیرو خورشید سرخ بمریضخانه زاویه مقدسه اختصاص داده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آن را تقدیم میدارند

رئیس - مخالفی نیست (نمایندگان - خیر) موافقین

رئیس - آقای زوار

زوار - قبل از دستور

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (نمایندگان -

خیر) صورت مجلس تصویب شد

[۲ - تصویب دو فقره مرخصی]

رئیس - دو فقره مرخصی از کمیسیون عرایض و مرخصی

با این مرخصی قیام فرمایند

(سیده است قرائت میشود)

† عین مذاکرات مشروح بکلمه و صوت و چهارمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۰)

دایرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

رئیس - تصویب شد
خبر مرخصی آقای محمد آخوند

نایبندۀ محترم آقای محمد آخوند از تاریخ پنجم آبانماه ۱۳۰۹ تقاضای نه روز مرخصی نموده اند کمیسیون بنا تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنها تقدیم میبدارد
رئیس - آقای فیروز آبادی

آقا سید یعقوب - ول کن این بدبخت را
فیروز آبادی - چه بد بختی دارد آقا يك کسی که ماهی سیصد تومان حقوق بگیرد این بدبختی نیست بدبخت ملتی است که کسی بفکر او نباشد خیر چون بنابر این بود که هر کس مرخصی بخواهد يك مقداری از حقوقش را تخصیص بدهد... (دیوان بیکی - کی بنا بر این شده است آقا؟) خوب بعضی ها که بنایشان بر اساس خیر است عموماً عرض نکردم معذرت میخواهم چون بعضی ها بنایشان بر این (همه) نمایندگان کی چنین بنائی بود؟ زنک رئیس) که در این اساس خیر همراهی کنند و يك مقداری از حقوقشان را تخصیص باین کار بدهند خوبست دیگران تاسی کنند این را در نظر بگیرند و این نام نیک باقی بماند

رئیس - آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد

[۳ - شور در لایحه صیانت آثار ملی]

رئیس - خبر کمیسیون اقتصاد ملی راجع بحفظ آثار عتیقه مذاکره در کلیات است. آقای طلوع

طلوع - مقصود دولت از تقدیم این لایحه حفظ آثار ملی است و بعقیده بنده این منظور و مقصود بسیار خوبست که آثار ملی ما حقیقتاً حفظ شود و مصون از هر تعرضی باشد ولی این لایحه موقبعکه در کمیسیون مطرح بود بنده ناخوش بودم و توانستم در کمیسیون شرفیاب شوم و نظریات خود را بر عرض کمیسیون برسانم و مخصوصاً آقای فروغی چون يك نفر آدم اجتماعی هستند نظریات اعضاء کمیسیون را هر وقت ملاحظه کرده اند صحیح است رعایت کرده اند و حقیقتاً کسیکه

بیشتر از همه نظریات آنها را مورد دقت قرار دادند و مساعدت کرده اند آقای فروغی بوده اند و بنده مخصوصاً امتحان کرده ام از آنجمله راجع بدغال سنگ و حقوق مالکین. ولی در این لایحه اساساً بنده هر چه مطالبه میکنم می بینم در آینه هم دولت مصادف با يك مشکلاتی خواهد شد و هم اسباب زحمت مردم خواهد شد یعنی زندگانی مردم را از هر حیث متزلزل میکند و بالاخره اگر يك ملاقات دوستانه هم در مملکت باشد بواسطه خاطر این لایحه بکلی از بین میرود و دیگر کسی جرئت نمیکند منزل بنده بیاید منزل او برود. ماده يك این لایحه را بنده میخوانم و هر چه فکر میکنم نمیدانم چطور همچو چیزی در مملکت عملی می شود. ماده يك را بر عرض آقایان میرسانم: ماده اول - کلیه آثار صنعتی و ائبیه و اماکی که تا اختتام دوره سلسله زندیه در مملکت ایران احداث شده اعم از منقول و غیر منقول بارعایت ماده سه این قانون آثار ملی ایران محسوب و در تحت حفاظت و نظارت دولت میباشد. کلیه آثار صنعتی که تا آخر زندیه (که اول قاجار باشد) جزء آثار صنعتی و جزء آثار عتیقه میشود اعم از منقول و غیر منقول بالاخره در تمام خانه های مامکن است این آثار صنعتی و آثار ملی اعم از اینکه داشته باشیم یا نه بنده در منزل خودم يك خط میر دارم از آثار صنعتی است یا يك چیزهای صنعتی قلمکار اصفهانی عهد صفویه زردوزی و بالاخره سایر قسمت ها از جمله گل دوزی گیلان (در عهد صفویه هم بوده است.) خامه دوزی و حتی لباسهای زنهای ما در آنوقت تمام از آثار صنعتی است که بنده و آقایان بهیچوجه من اوجوه شاید اطلاع نداشته باشیم که در خانه های ما همچو چیزی است. يك کسی میرود آنجا می بیند يك - قلمکار عهد صفویه آنجا بوده یا در گیلان يك گل دوزی آنجا بوده تا اوایل قاجار به اینقدری نیست صد و چهل سال است اینها هم آثار ملی است بنده هم اساساً ملتفت قضایا هم نبودم میروم در ابرن میدهد در مملکت ما هم که الحمدلله متأسفانه این را خواستم عرض کنم به آقای فروغی که حقیقتاً ما و دولت باید همشه زحمت بکشیم که مردم را به تهذیب اخلاق و اداری کنیم نه بسوء اخلاق تمام مدارس ما

(نه ماسایرین هم دارند) بیکقسمت مهم راست است از برای فرا گرفتن علم است ولی از برای فرا گرفتن تهذیب اخلاق هم هست همانطور که سایرین کردند ماها هم حقیقتاً باید ملت ایران را و اداری کنیم به تهذیب اخلاق نه بسوء اخلاق. موضوع قاجاق گیری و موضوع قاجاق حقیقتاً پست ترین اعمالی است که در دماغ ما نشویق میشود. بنده گناهکار نیست در خانه بنده قلمکار اصفهانی بوده فوری راپرت میدهند بنده را حبس میکنند و تسلیم محکمه میکنند و مجازات میکنند گناه بنده این بوده است که يك تکه گل دوزی عهد صفویه یا زندیه داشته ام علاوه من مالکم سلب مالکیت از من چرا میکنید بچه مناسبت مطابق کدام قانون مطابق کدام حق سلب مالکیت از من میکنید؟ که بنده مجبور باشم تمام آنرا از ید خودم خارج کنم از اختیار مالکیت خودم صرف نظر کنم در تحت اختیار شما بگذارم. بنده عرض میکنم شما آثار عتیقه را حفظ کنید همانطور که دیگران میکنند بالاخره ما راهی میخواهیم برویم که ذنبای متمدن هم رفته اند ما که مجتهد نیستیم. دیگران از ما مجتهدتر هستند بالاخره باید ما هم مثل سایرین آثار صنعتی مان را حفظ کنیم بچه جور باینجور که یکپارچه زردوزی مال عهد زندیه که در منزل بنده است بیایم تسلیم شما کنم. بنده خودم لازم دارم نمیدهم بشما چه چیز بنده را مخبور میکنید؟! بعقیده بنده این مسئله با زندگانی عموم ما مناس دارد در تمام خانواده های مالین قبیل اشیاء هست بنده چندسال قبل در بازار رقوم يك چند ناخاطو خوب دیدم گفتم چند گفت پنجاه تومان بنده گفتم يك چیزی بگویم که ندهم گفتم ده تومان گفت بگیرد الان هم شاید چند تا از این رفته باشد چند تا باقی باشد (بعضی از رفا هم شاید دیده باشند) بنده هم ملتفت باشم يك کسی بیاید آنجا بگوید این قاجاق است این از آثار عتیقه است آنوقت تشریف بیاورند بنده را ببرند حبس کنند مجازات کنند و مبلغی پول از بنده بگیرند گناه بنده است که چند تا خط خوب دارم این ماده يك است که حقیقتاً بعقیده بنده عملی نیست. و از آقا استدعا میکنم بالاخره اگر هم يك آثار صنعتی را میخواهند حفظ شود

بالاخره يك موزه ترتیب بدهند که آثار ملی ما را حفظ کنند و اگر يك چیزهایی را هم مردم حاضر شدند بیاورند به شما بفروشند خوب خوبست البته پسندیده و مستحسن هم هست بعلاوه گذشته از همه اینها در اینجا هیچ معلوم نکرده که چه چیز جزو آثار ملی است ممکن است تا آخر زندیه اول قاجار يك چیزهایی هم باشد که ماعلمان نرسد که اینها جزو آثار ملی است همین کنند که آثار ملی چیست نه اینکه بفر ما بماند ما نمیتوانیم معین کنیم چه چیز است. بنده عرض میکنم چرا نمیتوانیم معین کنیم که بنده بدانم این جزو آثار ملی است بعد هم اگر میل کردم بیاورم بدولت بفروشم و اگر میل نکردم در خانه خودم نگاه دارم مقصودتان این است که این آثار از ایران خارج نشود بنده هم موافقم که این آثار ملی ما از ایران خارج نشود و بجایهای دیگر نبرود چنانچه در پاریس بنده دیدم قسمتهای زیادی از آثار ملی ما در آنجا بود و اگر هم توضیحات آنها نمیخواندم بنده هیچ نمیدانستم و تصور هم نمیکردم که مال ایران باشد البته این هم يك راه معینی دارد این را غدغن کنید که آثار ملی را هیچکس حق ندارد از ایران خارج کند هر کس بخواهد خارج کند باید با اجازه دولت باشد هم بمقصودتان رسیده اید و هم این آثار ملی را نگذاشته اید خارج کنند از گمرک اما اینکه کلیه آثار صنعتی اعم از منقول و غیر منقول و ائبیه و اماکن تا اختتام دوره زندیه این حقیقتاً چیز غریب و عجیبی است! این عملی نیست و بالاخره اسباب زحمت است بنده همانطور که پریروز عرض کردم البته میدانم دولت هر جا سوء رفتار از مامورین به بیند جلو گیری کرده و میکند و باید هم بکند ولی متأسفانه چه کنیم آقای تقی زاده خودشان می فرمایند مامورین معیزی ما خوب نبوده اند بعد از سه سال زحمت و خسارت تازه تشریف می آورند پشت تریبون می فرمایند مامورین معیزی ما خوب نبوده اند خوب نبوده اند بنده چه گناهی دارم بنده که مسئول نیستم که مامورین شما خوب نبوده متأسفانه این اقراری است که خود

قاجاق محسوب میشود قاجاقچی هم میشود مجازات هم میشود دیگر در اینموضوع بیش از این عرض نمیکنم .

ماده پنج - اشخاصیکه مالک مالی باشند که از آثار ملی محسوب شده با آن را در تصرف دارند با به نحوی از انحاء از آن متمتع میباشند میتوانند حق مالکیت یا تصرف یا تمتع خود را حفظ کنند و لیکن نباید دولت را از اقداماتی که برای حفاظت آثار ملی لازم میدانند ممانعت نمایند (از یکطرف به بنده میگویند شما را مزاحم نیستیم که این را بخواهید حفظ کنید ولی از طرف دیگر بمن میگویند حق نداری ممانعت از عملیات دولت بکنی بنده هیچ این را نمی فهم این هر دو مشکل است از یکطرف بنده حق دارم از یکطرف حق ندارم اینهم اساساً بعقیده بنده خوب نیست. ماده شش - عملیات مفصله ذیل ممنوع و ممنوعین آن به اداء پنججاه تومان الی هزار تومان جزای نقدی محکوم خواهند شد بعلاوه معادل خسارانی که بواسطه عمل خود بر آثار ملی وارد ساخته اند میتوان از ایشان اخذ نمود. الف - منهدم کردن یا خرابی وارد ساختن به آثار ملی و مستور ساختن روی آنها باندود و با رنگ و رسم کردن نقوش و خطوط بر آنها اگر یک قلمدانی بنده داشته باشم یا یک پارچه قلمکار که اشتباهاً روی این یک رنگی ریختم که خودم هم خیلی متأسفم آنوقت مجبور هستم تومان تا هزار تومان جریمه بدهم قصد نداشتم که خراب کنم مال خودم بود دلم هم می سوخت ولی غفلتاً اینطور شد بنده بیایم بیست تومان تا هزار تومان جریمه بدهم اینکه سزاوار نیست چرا؟ در اثر غفلت اینطور شده مال خودم هم هست یک ذره خراب شد بچه مناسب بنده جریمه بشوم جریمه یعنی چه چرا؟ هزار تومان جریمه از مردم بگیرند خوب خراب شده چه بکنم مال خودم بوده است این هم اساساً عملی نیست (اقدام بمرمت و تجدید بنائی از آثار ملی که در تصرف اشخاص باشد باید با اجازه و تحت نظر دولت واقع شود و الا مجازاتهای سابق الذکر ممکن است بمرتبک تعاقب گیرد.) بنده بیایم یک چیزی را مرمت کنم مجازات بشوم بنده نمیدانم چطور باید با این مواد

مجلس شورای ملی موافقت بکند که بنده یک جانی را مرمت کردم درست کردم مجازات بشوم (کنیل وزارت اقتصاد ملی - هو نکید دیگر) حقیقتاً خیلی غریب است (خنده نمایندگان) بعلاوه عرض کردم موضوع اینکه من مالک هستم هیچکس نمیتواند سلب مالکیت از بنده بکند ولی این لایحه حقیقتاً سلب مالکیت از مردم میکند چیز دیگری نیست. ماده نه - هر کس مالک مال منقولی است که از آثار ملی محسوب شده اگر بخواهد آن را بدیگری منتقل کند باید به اداره مربوطه دولتی کتباً اطلاع دهد اگر بخواهد آن مال را جزء مجموعه های دولتی آثار ملی قرار دهد در ابتیاع آن با شرایط متساوی بر مردم دیگر حق تقدم دارد بنده حق ندارم یک نابلو یک خطی بیکی از دوستان خودم بدهم یا منتقل کنم میل کردم که یک خط میری را بدهم بیکی از رفقای خودم مال خودم است حق ندارم باید بدولت اطلاع بدهم؟ و دولت اگر مایل شد اجازه بدهد و اگر خواستم بفروشم مجبور باشم بدولت بفروشم چرا آخر؟ انتقال دادن بغیر را چرا نمیتواند اینها حقیقتاً خبی غریب است که یک کسی مال خودش را نتواند بکسی منتقل کند. بله مخصوصاً این قسمت اخیرش که مینویسد (اگر کسی مالی را که از آثار ملی محسوب شده بدون اطلاع دولت منتقل کند محکوم بجزای نقدی معادل قیمت فروش آن مال خواهد شد) محکوم بمجازات نقدی هم خواهد شد. یکی هم ماده ده است مینویسد: هر کس اموال منقوله که مطابق این قانون از آثار ملی محسوب میشود برحسب تصادف و اتفاق کشف کند اگر چه در ملک خود او باشد باید هر چه زودتر بدولت اطلاع بدهد و دولت پس از تصدیق مقامات مربوطه و ثبت آن در فهرست آثار ملی نصف آن اموال را بکشف و امیکندارد. این ماده اساساً فوق العاده اسباب زحمت است مخصوصاً در قراء و قصابات که مردم برای آبادی ملک مشغول کاوش زمین هستند یک چیزهایی را پیدا کنند و بعد بیآورند بدهند بدولت حالا اساساً در قانون مدنی هم در همین قسمت یک شرحی نوشته شده است

باب پنجم قانون مدنی است ماده ۱۷۳ دَفینه مالی است که در زمین بابنائی دفن شده و برحسب اتفاق و تصادف پیدا میشود ماده ۱۷۴ - دَفینه که مالک آن معلوم نباشد ملک کسی است که آن را پیدا کرده است. موضوع حفر زمین است دَفینه بالاخره چیزی است که در زمین دفع شده باشد در آورند حفر چیست حفر هم همین کاوش است تردیدی نیست. زارعین مالکین ما در قراء قصابات برای آبادی املاک خودشان چنانچه اغلب آقایان هم امتحان کرده اند خود بنده هم امتحان کرده ام یک چیزهایی از زیر زمین موقع حفر کردن پیدا کرده اند این چه میشود این بالاخره همان چیزی است که آقا مقصود دارید و حالا اینموضوع باعث کشمکش های زیاد است ولی بچه مناسب است قانون اساسی میگوید هیچکس نمیتواند سلب مالکیت از اشخاص بکند مالک میتواند هر جور استفاده از املاک خودش بکند قانون شرع هم همینطور است قانون اساسی هم همینطور است تازه شما مطابق این قانون سلب مالکیت از من میکنید میگوید آن چیزهایی که خودت زحمت کشیده از زمین پیدا کردی مال خودت نیست باید بمن بدهی این بعقیده بنده در آتیه اسباب زحمت همه ماها خواهد شد و بالاخره هنوز که این قانون تصویب نشده یک زحمت فوق العاده داشتند مردم که اگر یک زارعی در اثر حفر زمین یک سکه پیدا میکرد فوراً مأهور میرفت میگفت تو کنج پیدا کردی هر چه زارع میگفت من یک سکه بیشتر پیدا نکردم میگفتند خیر تو باید منشأ این را بما نشان بدهی و شایسته قدر از این پیدا کرده اید آنوقت بیچاره را شش ماه در حبس می انداختند حالا آیا از تقصیر و گناه او صرف نظر میکردند یا نه ولی مزاحم حال او میشدند و بالاخره این ماده یک چیزی است که در هر جائی یک کسی چیزی پیدا کند یا اتفاق بیفتد باید هر چه زودتر برود بدولت اطلاع بدهد اگر یک ساعت هم دیر و مسامحه کرد آنوقت حکم قاجاق و قاجاقچی را پیدا میکند حاضر و آماده میگوید چون مسامحه کرده باید مجازات شوی در صورتیکه حق قانونی من است قانون اساسی بمن حق داده قانون شرع

بمن حق داده قانون مدنی بمن حق داده و شما میخواهید سلب مالکیت از من بکنید. و این اساساً بعقیده بنده خوب نیست

ماده ۱۱ - حفر اراضی و کاوش برای کشف واستخراج آثار ملی منحصرأ حق دولت است و دولت مختار است که این حق را مستقیماً عمل کند یا بمؤسسات علمی یا باشخاص یا شرکت واگذار نماید) این حفر اراضی و کاوش زمین دیگر حق بنده و آقایان نیست حق مالک و زارع نیست فقط منحصرأ حق دولت است آنوقت اختیار اجازه دادن هم دارد یعنی بالاخره چه جور اختیار دارد دولت بکنفری را امر میدهد سر مالک بنده تمام املاک بنده را برای کشف آثار ملی حفر کند کاوش کند بالاخره چیز هائی را هم که در می آورند بردارند و خودشان ببرند ملک بنده را هم خراب میکنند بنده هیچ حق نداشته باشم و شخصاً دولت حق داشته باشد این کار را بکند بعقیده بنده چنین حقی را بدولت دادن صلاح مجلس شورای ملی و مردم نیست و بالاخره صلاح دولت هم نیست برای اینکه دولت حکومت ما است و ما بدولت خودمان علاقمندیم و بک چیزی که صلاح عامه نباشد نباید در اینجا اجازه داد چطور میشود که دولت در املاک هر کسی حق کاوش داشته باشد چرا؟ مطابق کدام اصل این بعقیده بنده اساساً خوب نیست این بکلی سلب همه چیز را از ما میکند دیگر بهیچوجه در آینه مالکین حق کاوش در املاک خودشان نخواهند داشت حالا مضرات دیگری هم دارد که بنده در اینجا نمیخواهم عرض کنم حالا ماده دوازده مینویسد حفاری اگر فقط برای کشف آثار ملی و تحقیقات علمی باشد حفاری علمی و اگر برای خرید و فروش اشیاء عتیقه باشد حفاری تجارته است در آئینه و اموال غیر منقوله که در فهرست آثار ملی ثبت شده حفاری تجارته ممنوع است. این تفکیک بین حفاری علمی و تجارته است و این ماده را که بعد میخوانم متضاد است با این ماده در بک جا حفاری تجارته را ممنوع کرده در جای دیگر

حفاری تجارته را اجازه داده است از یکطرف قانون منع میکند از طرف دیگر بدون هیچ شرطی تدوین میکند ماده سیزده مینویسد حفاری در اراضی که مالک خصوصی دارد گذشته از اجازه دولت استرضای مالک را نیز لازم دارد در محل هائی که در فهرست آثار ملی ثبت شده یا دولت پس از اقدامات اکتشافیه آنها را در فهرست ثبت کند مالک حق امتناع از اجازه حفاری ندارد و فقط میتواند حقی مطالبه کند و مأخذ تعیین این حق ضعف اجرت المثل زمینی است که مالک بواسطه حفر از استفاده آب محروم میگردد در ملک بنده شاید بک کوزه پیدا کنند و این کوزه قیمتش ده هزار تومان است بنده حق دارم ضعف اجرت المثل آنجا را بگیرم ضعف اجرت المثل بنده چقدر است ده تومان خیلی خوب بک کسی میآید مبالغی از مالک من استفاده میرد آنوقت ده تومان بمن میدهد حالا در قسمت اجرت المثل این ملک چه گفتگوچه چیزهاست البته بقدری است که بنده باید بروم بعسلیه و عرض حال بدم من میگویم اجرت المثل ملک من اینقدر است آنها میگویند خیر اینطور نیست بالاخره این بعقیده بنده عادلانه نیست که از ملک من بیابند و ده هزار تومان استفاده میکنند آنوقت بخوانند ده تومان بدهند این اساساً صلاح نیست ماده ۱۴ باز تأیید میکنند همان قسمت اولیه را (ماده ۱۵ در ضمن عمایات حفاری علمی یا تجارته) در ماده دوازده عملیات تجارته را ممنوع کرده اینجا آمده است اجازه داده است (آنچه در بک محل و بک موسم کشف شود اگر مستقیماً توسط دولت کشف شده تماماً متعلق بدولت است) این اساساً در آنجا بک چیز هائی است که معین کرده بود در اینجا بکلی سلب حق کرده است و تماماً متعلق بدولت است در اراضی مردم در املاک مردم که صاحب مالک چیزی پیدا کرده است متعلق بدولت میشود مطابق این ماده (و اگر اشخاص متفرقه کشف کرده باشند دولت ده فقره از آنها را میتواند انتخاب و تملك نماید و از بقیه نصف را مجاناً بکشف واگذار و نصف دیگر را ضبط کند

اولاً اگر خود دولت کشف کرد که مال خودش است اما اگر اشخاص آثار ملی کشف کردند آقا چیز غربی است اشخاص متفرقه چکار بملك من دارند که بیابند در ملك بنده کشف آثار ملی بکنند بردارند و ببرند آنوقت ده قسمت شما ببرید آنچه که نه مانده است و چیزی قیمت ندارد بدهید بنده جداً مخالفم و عرض میکنم نه درات و نه دیگری حق ندارد به املاک مردم تعدی کند لهذا با این قسمت و سایرین مخالفم آخر بچه مناسبت؟ باز اینجا بک جریمه دیگر ماده ۱۶ متخلفین از ماده ۱۰ و همچنین کسانی که بدون اجازه و اطلاع دولت حفاری کنند ولو در ملك خودشان باشد محکوم به بیست تومان الی دو هزار تومان جزای نقدی خواهند شد اینجا هزار تومان بود اینجا هم باز اگر من بی اجازه دولت حفاری کنم آنوقت از بیست الی دو هزار تومان جریمه بشوم اساساً بعقیده بنده این لایحه چیز عجیبی است هر جا را که ملاحظه میکنم هزار معایب دارد بکی از چیز هائی که میخواستم عرض کنم و از غرایب است این است که عرض میکنم در ماده هیجده مینویسد اشیائی که از آثار محسوب و صدور آن جائز نباشد هر که بخوانند تقاضای جواز صدور نمایند دولت حق دارد از اجازه صدور امتناع نموده و به قیمتی که صادر کننده برای صدور جواز در تقاضا نامه خود اظهار کرده اکتفا نماید و اگر مالک در فروش به اظهار قیمت امتناع نمود جواز صدور داده نخواهد شد و هر که اجازه صدور داده شد معادل صدی پنج قیمت عادلانه آن بتقریب مقوم دولتی حق صدور اخذ میشود) خوب در اینجا باز بک اختلافاتی است بنده اساساً نمیخواهم بروم اجازه بگیرم بمن میگویند باید این را بفروشی و قیمت هم خودشان معین میکنند اساساً این را آقایان میدانید که در اینجا این قبیل چیزها چون مشتری ندارد خریدار ندارد بنده قیمت او را نمیدانم ولی در جائی که مشتری و خریدار یعنی بمبارة آخری بازار دارد تعیین قیمت آن با بازار است ممکن است بک کوزه در اینجا اگر به بنده بدهند بک قران نمیخرم

ولی در جاهای دیگر هزار تومان میخرند اولاً چرا بشما بدهم و بخارج نبرم چه ضرر دارد چیز هائی را که دولت صلاح میداند خارج شود اینها پول است چرا خارج نشود کوزه پول است بنده میبرم پول می آورم بمملکت خودم چرا شما مخالفت میکنید بالاخره در اینجا بهیچوجه این عملی نیست زیرا ممکن است شما پنج تومان قیمت کنید و من در آنجا هزار تومان بفروشم ما نمیتوانیم قیمت معین کنیم بعلاوه بنده هیچ ضرری نمی بینم که دولت آن چیز هائی را که صلاح نیست خارج شود آنها را حفظ کند و نگذارد خارج شود ولی بقیه را آزاد بگذارد و در دسترس مردم بگذارد که جزء صادرات باشد پول وارد کنند زیرا گذشته از اینکه شما بک صدی پنج میگیرید صادرات مملکت است ما هر قدر بتوانیم تشویق کنیم و تسهیل کنیم وسائل صدور را برای این مملکت و برای مردم بهتر است که برای خاطر بک صدی پنج این اشکال تراشیدها را بکنیم چرا حالا گذشته از اینکه اینجا نوشته است حقوق گمرکی و تعرفه گمرکی که سر جای خودش است بنده اینجا باید مطابق قسمت آخر این ماده که راجع بحقوق گمرکی است و سر جای خودش است که بنده بک حقی باید آنجا بدهم و بک حقی هم اضافه اینجا بدهم و آنوقت مجبور باشم که بدولت بفروشم اگر دولت لازم نداشت و نخرید آنوقت صدی پنج بدولت بدهم و حق گمرک را هم بروم در آنجا بدهم چرا برای اینکه بک کوزه میخواهم ببرم هزار تومان پول بیآورم اینست عرایض بنده واستدعا میکنم آقای فروغی توجه کنند این لایحه با این ترتیب اساساً اسباب زحمت مردم است

کفیل وزارت اقتصاد ملی (آقای فروغی) - نماینده محترم در ابتدای فرمایشات خودشان تصدیق کردند که بنده در گذراندن قانون که بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود حاضر هستم که نظریات آقایان را بشنوم و قبول کنم و به تجربه خودشان این مسئله را تصدیق کردند (بعضی از نمایندگان - صحیح است) حالا هم همینطور است و

بنده در مورد این لایحه هم در کمیسیون همین کار را کردم در مجلس شورای ملی هم حاضرم و اگر هر مطلبی که صحیح بوده است و آقایان نمایندگان متذکر شدند و بنده اشتباه کرده ام اصلاح کنیم اما خیلی گله مند هستم از آقا که با وجود اینکه این تصدیق را در باره بنده کردند خودشان تقریباً مثل بنده رفتار نکردند با وجود اینکه خودشان عضو کمیسیون بودند ممکن بود در کل صفا اظهارات خودشان را بفرمایند تا بنده ایشان را قانع کنم گر چه چند روز قبل از آن کسالت داشتند ولی بعد که کسالتشان رفع شد بنده متوقع بودم که اگر فقط مقصودشان این بود که کار صحیح بکنیم و قانون خوب بگذاریم میتوانستند در کمیسیون یا در خارج کمیسیون با بنده مذاکره کنند تا بنده در اکثر فرمایشاتشان ایشان را قانع کنم که اینطور که اظهار کردند نیست و اگر غیر از ایشان کس دیگری اینجا این فرمایش را کرده بودند من میگفتم عجب مهارت غربی دارند در مغلطه کاری ولی عرض نمیکند مغلطه کاری زیرا ایشان این کار را نکردند و با بنده مذاکره نکردند و حالا اینجا ذهن آقایان را مشوب میکنند این فرمایشاتی که فرمودند بنده بطور قطع بشما عرض میکنم که من اوله الی آخره جواب دارد فرمودید چرا حق صدور میگیرند بسیار خوب نگیرند ما حق صدور را طرداً للباب اینجا گذاریم اگر چنانچه آقایان صلاح نمیدانند که يك حق صدور جزئی بگمرك ما عاید شود بنده هیچ حرفی ندارم فوراً قبول میکنم این قبیل چیزها را بنده میتوانم قبول کنم و حاضر از حق صدور صرف نظر کنم اما اساس مطلب اینطور نیست و بنده برعکس جناب عالی (که این لایحه را در نظر آقایان همچو وانمود کردید مثل اینکه يك دیوی است يك غریب است که هجوم کرده است به این مملکت و عنقریب این مملکت را خواهد بلعد) مباحثات میکنم که لایحه را پیشنهاد کرده ام و اگر گذشت زهی سعادت من و اگر نگذشت من يك وظیفه بزرگ ملی را انجام کرده ام و سایرین مسامحه کرده اند عرض کردم در

این لایحه تصرفات مطلب دیگری است هر جا عیبی دیدم ملاحظه میکنیم مذاکره میکنیم یا من شما را قانع میکنم یا شما مرا قانع میکنید اما در اساس مطلب اینطور نیست بله این لایحه را ممکن است يك کسی از روی عقیده رد بکند اما کیست آن کس و کیست که از روی عقیده قبول میکند این فرع بر دو چیز است فرع بر این است که ما آثار ملی خودمان را چه نظری داشته باشیم و فرع بر این است که ما عقیده داشته باشیم به اینکه مملکت ایران و ملت ایران از صد قسمت شرافت بود و بخش مرهون راجع به آثار ملی است و این آثار ملی و این حیثیت و شرافت قابل اعتنا و قابل حفظ و نگاهداری هست باه اگر ما يك مردمانی باشیم که بگوئیم سه هزار سال تاریخ ایران که معلوم و مسلم است و چندین هزار سال قبایل که حالا میدانیم و شاید بواسطه این آثار کشف شود این هیچ اهمیت ندارد که از دست ما برود یا مجهول ماند یا تفریط و ضایع شود عیب ندارد و من که دو جریب زمین دارم بر حسب ظاهر آنهم تصور میکنم که بواسطه اقدام دولت در حفظ آثار ملی این مالکیت من از دو جریب زمینم متزلزل شود بمن نباید این ضرر وارد شود ولی سه هزار سال تاریخ ایران اگر لطمه بهش وارد شود ضرری ندارد این دو نظر است هرکس این نظر را دارد که این سه هزار سال تاریخ ایران و این چند نسل کرور ها ایرانی که در این مملکت زحمت کشیده اند و هنر پیدا کرده اند صنعت تاریخی داشته اند آثار صنعتی درست کرده اند و شرافت تاریخی برای ما درست کرده اند اینها محل اعتنا نیست لازم نیست حفظ کردش این محل اعتناست که بنده در خانه خودم هوس دارم یا باینکه در ملکی که دارم هیچکس نگاه نکند این مقدم است؟ البته بنده آنوقت عرض میکنم کسانی که این عقیده دوم را دارند این قانون را باید رد کنند و کسانی که قسمت اول را در نظر دارند همان نظری است که عرض کردم و اما بنده فرمایشات آقا را اگر بخوام یکی یکی در مواد جواب عرض کنم اینجا

عرض اینک دو شور کنیم چندین شور خواهد شد بعلاوه بنده نمیتوانستم اینها را یاد داشت کنم و جواب عرض کنم البته در موقع خودش در شور دوم حاضر هستم با طول و تفصیل مباحثه کنیم بطور کلی عرض میکنم این قانون بمالکیت تزلزلی وارد نمیکند هرکس مالک مالی هست هست بزور هم از دستش نمیگیرند تصرف بی جا هم در مالش نمیکند و در یکی یکی این مواد بنده بشما ثابت میکنم اما اینکه میفرمایند دولت حفظ کند آثار ملی را خوب چطور حفظ کند؟ در قانون باید تکلیفش معین شود شاید يك شرایط دیگری را هم شما بر این اضافه کنید بسیار خوب بعضی شرایط را لازم میدانند بنده هم شاید قبول کنم چنانچه خودشان در ضمن فرمایشاتشان فرمودند و تصدیق کردند که دولت باید حفظ کند آثار ملی را خوب چطور حفظ بکند البته باید مراقبت بکند مالک مالک را در محافظت آثار ملی که خوب حفظ کند حالا دولت چطور محافظت کند آثار را و حفظ میکند این مطلب میدان دارد و بنده میتوانم بقدر يك شاهنامه برای شما صحبت کنم تخت جمشید (طلوع آقا تخت جمشید ملک کسی نمیشود) الحمدلله در این مملکت از این قبیل خیلی است طاق بستان است قبر کورس است قبل از اسلام بعد از اسلام بعد از اسلام خوشبختانه مساجد و اماکن مشرفه است که متأسفانه از دست مالکیت ما مصون است اما قبل از اسلامش خیر حالا این باعث نمیشود که من بدولت بگویم که تو حق نداری بمالک من نگاه کنی تخت جمشید را شما میخواهید مرمت کنید نمیگذارند شما میگوئید چرا جلوگیری میکنید من میخواهم مرمت کنم خوب آقا خراب میکنید شما

طلوع - من تخت جمشید را عرض نکردم...

کفیل وزارت اقتصاد ملی - آقا اجازه بدهید شما فرمایش میفرمودید بنده گوش دادم شما هم گوش کنید يك بنائی مثل کتنبند شاهزاده عبد العظیم يك کتنبندی مثل کتنبند مسجد تبریز کتنبند شاه خدا بنده اینها را شما میخواهید مرمت کنید مالکش می خواهد

مرمت کند. آخر دخالت مالکین بود که اینطور شد کرد محافظت اینها و مرمت اینها این است که کاشی آن را بر دارند بفروشند بفرنگیها این است که دولت بگوید آقا ملک ملک تو مال مال تو اما در این ملک این بنا و این اثر از ملت ایران است این مال بکنفر نیست تمام ملت و مملکت ایران در اینجا حق دارند باید با نظر آنها و من بتوسط متخصصین اهل فن و اهل علم کاری کنیم که اینجا بهمین حالی که هست بماند و از این خرابتر نشود و مرمقی که شما بردارید يك مشت کچ بزنید بيك جائی بيك چیزی که خراب ندارید چیست و او را خراب میکنید این را البته بنده اجازه نمیدهم ملت ایران باید این تقاضا را از افراد خودش داشته باشد اگر بخواهد مخالفت کند و این حق را محفوظ ندارد برای دولت ایران بنده نمیدانم این چه حس و چه عقیده ایست میفرمایند ما در خانه هامان همه يك چیز های نفیسی داریم و بعد از این بموجب این قانون دیگر نخواهیم داشت بد بختانه بواسطه اینکه يك همچو قانونی نداریم و يك اقداماتی برای حفظ این آثار نشده است دیگر چیزی باقی نمانده اگر هزار بود حالا دو تاست باقیتر کجا است؟ یا در موزه های فرنگستان یا در خانه های اعیان فرنگستان است دروغ میگویم؟ (خیر صحیح است) این قانون برای این است که این چیزها برای شما بماند اگر هم بفروش میرود این قانون برای این است که این چیزها بفروش نرود و اگر بفروش میرود اقلاً برتیبی فروش برود که يك استفاده کنیم این قانون از چند نقطه نظر نوشته شده ملاحظه علمی ملاحظه صنعتی ملاحظه شرافت ملی ملاحظه اقتصادی شما در اینجا بیاناتی فرمودید مثل اینکه این قانون که گذشت تمام ثروت این مملکت معدوم میشود خیر اینطور نیست در خاک ایران زیر خاک ایران کنوز و گنجهای هست که این گنجها را باید در آورد مثل معادن باید در آورد از اینها این

چند قسم استفاده را کرد استفاده علمی استفاده صنعتی استفاده شرافتی استفاده اقتصادی استفاده علمی چطور؟ استفاده علمی چنانکه يك قطره از دریا در مملکت ما عمل شود يك تکه در مملکت ما هست اسمش شوش است در آنجا فرانسویها امتیاز داشتند اولاً اینجا عرض میکنم این دولتی را که شما اینجا میخواهید روسیاهش کنید که این قانون را پیشنهاد کرده این دولتی است که باطل کرده است این امتیازات را خیلی چیز هارا درست کرده که یکی از کارهایی را که کرده است این است که امتیاز حفر عتیقیات کلیه ایران را که ابدالدهر الی بوم القیمه داده شده بود بیک مملکت خارجی او را لغو کرد (صحیح است) البته علل بسیار داشت که ما این امتیاز را لغو کردیم یکیش این بود که حالا از هر چیز گذشته صاحب امتیاز از عهده بر نیامد که استفاده کند چنانکه در ظرف سی سال فقط يك گوشه شوش را عملیات کرده بودند شما میدانید هستند در این مجلس کسانی که شاید اطلاع داشته باشند که از این عملیات و حفاریاتی که در شوش بعمل آمد چه نتایج علمی حاصل شد نتیجه اش يك کلمه عرض کرده باشم این بود که تاریخ دو هزار سال ایران را رساند به هشت هزار سال تصدیق میفرمائید اینجا مجلس شورای ملی است مجلس علمی نیست بیرون نوری آن اطاق که رفتم بنده می نشینم و برای شما عرض میکنم این قسمت علمیش و ضمناً از برای ما شرافت دارد برای مردم دنیا علم برای ایران شرافت عرض کنم آثار صنعتی نظر صنعتی چرا این چیزها که در میآید حیثیت صنعتی دارد صنعت قا صنعت يك کلمه است که قدری در زبان ما عمومیت دارد مثلاً اگر يك کسی چوب را هم بردارد و يك تصرفی درش بکند و حالتی باو بدهد باو میگویند صنعت ولي صنعتی که ما میگوئیم آنچیزی که در ممالک دیگر لفظ خاص دارد یعنی يك چیزی که قوه تصرف و خلاقیت و ذوق يك قومی را با يك شخصی را نشان میدهد يك خلاقیتی حاصل می کند صنعت بالاخره يك قوه است

میکند پول خرج میکنند این خودش يك تعقی است و يك چیزهایی از این نقایس بما میرسد بموجب این قانون که شما اینطور طمن و اغتش کردید که یکی یکی در ضمن مواد عرض میکنم که آنچه را که شما عیب این قانون دانستید هنرش است بموجب این قانون از این خزانگی که ما داریم يك سهم مهمی بخودمان میرسد در موزه هامان میگذازیما یا خودمان میفرشیم بالاخره مملکت غنی می شود یکی از ثروتهای بزرگ بعضی از ممالک همین است هیچ خبر دارید که مملکت مصر يك مقدار عمده از ثروتش همین آثار ملی است که از خاک مصر بیرون آمده و امروزه در موزه های آن گذاشته شده و آنرا يك ثروت بزرگی میدانند مردم من جمله یکی از فایده هایی که مملکت مصر از اینجا میرد این است که سالی هزار هزار مردم برای دیدن این موزه ها و این آثار میروند در مصر و زندگی میکنند سیاحت می کنند پول خرج میکنند و بالاخره يك مقداری از این چیزها که بیرون می آید و از زیر خاک بیرون میبریم یا میبرند و پول می شود و بفروش میرسد میفرمائید چرا دولت نظارت کند آقا نگاه کنید به ری این شهر ری این خرابه ری را نگاه کنید که رفتند برخلاف آنچه که شما فرمودید که چرا بیاید در خاک من برای چه بیاید اصلاً در خاک من کار کند میکنند کردند و يك شهر ری را ضایع کردند یعنی کاری بر سرش آوردند بواسطه بی علمی اینکه هر آقا یقیناً باصطلاح میروند يك تیکه کاوش میکنند ده تا چیز نفس را خورد میکند آنوقت يك تیکه چیز در میاورد که بالنسبه قابل باشد گذشته از اینکه این نقایس از بین رفته است شهر ری از بین رفته است یعنی چه؟ تشریف ببرید در شوش تشریف ببرید در بابل اینها ظاهرتر است عالم متخصص آنکسی که علم این کار را دارد وقتیکه يك شهر خرابه زیر زمین را میبرد حفر میکند طوری حفر میکند که آن شهر خراب نمی شود شهر بابل بنده خودم رفته ام آقایان سفر عتبات میکنند میتوانند در کمال سهولت بروند کوچه، خانه، مسجد، معبر انبار فلان و فلان هر چه بخواهند آنجا شسته رفته پاکیزه درست هست این ری ما هم شهر بوده اگر این کارها را نکرده بودند

اگر همچو قانونی بود دولت ب مردم میگفت بدون اجازه من حق نداری بکنی من نگاه کنم به بینم نواهل علمی یا رفته ای آنجا میخواهی بر حسب اتفاق پول پیدا کنی اگر اهل علم است اجازه بدهد و الا ندهد که شهر ری باین روز نیفتد که امروز هیچ چیز نیست در شهر ری در صورتیکه شهر ری مال پانصد سال پیش از این است شهر بابل مال سه هزار سال قبل است سه هزار سال است که بابل خراب است ری پانصد سال قبل آباد بوده این شهر دیگر هیچ آثاری از آن نیست جز يك مشت خاک و خاشاک و آجر و تیله آنجا ریخته نه زراعت درش می شود کرد نه کار و نه استفاده علمی می شود نمی شود گفت این ری چطور بوده آثارش چه بوده کوچه اش کجا بوده چه آثاری داشته این شهری که در تواریخ اینقدر ذکر میکنند ازش چند هزار حمام داشت چند هزار مسجد داشت اینجا چه داشت و چه داشت اگر حفر علمی شده بود امروز ممکن بود شهر ری تمام و کمال حاضر باشد و البته خراب نبود بنده خود دیدم در فرنگستان شهرهایی من جمله پهمی که آقایان میدانند شهری است که دو هزار سال پیش از این در زیر کوه آتش فشان وزوو رفت آنوقتها کوه اهل علم نبودند توجه نکردند چندسال پیش از این توجه شدند یادشان آمد که در تاریخ خواندیم این شهری بود کوه وزوو آتشفشانی کرد رفت زیر خاک و هر چه هم آدم بود از بین رفت یعنی در ظرف چند ساعت این شهر از میان رفت و يك تل خاک شد بنده شخصاً رفتم دیدم بواسطه این حفاریهای علمی کوچه، خیابان، خانه، معبر، مجسمه، ستون، سرستون، پای ستون درست همه چیز نقش و نگار توی خانام بنده الان دارم که در یکی از جاهائی که عمارت بود خانه ها داشت تمام و کمال در آمده بود و خانه های مزین و مجمل نقاشی دار و يك نقاشی نشسته بود در آن عمارت و نقاشی میکرد و می فروخت و بنده يك تیکه اش را خریدم الان در خانام حاضر است میل دارید بیاورم ملاحظه کنید حالا ری را بنده مثل میزنم خیلی جاهای دیگر هم هست اگر کسی این حس را داشته باشد و این عقیده

را داشته باشد که این حیف بود این يك چیز بزرگی بود يك غنیمت بزرگی بود از دست ما رفت و از این غنایم بزرگ ما در این مملکت از همه ممالک بیشتر داریم و اگر يك همچو قانونی وضع نکنیم طرز محافظت را فراهم نکنیم از دستمان خواهد رفت حالا عرض کنم این بسته است بسلیقه اشخاص ایشان میفرمایند که خیر حیف نیست قانون را بر گردانیم میفرمایند حیف است قانون را رأی بدهند منتهی در جزئیات بنده حاضریم همانطور که شما فرمودید فلانکس آدم منصفی است و حرف حسابی که شنید قبول میکند بنده قول میدهم بشما که اگر حرف حسابی زدید قبول کنم .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

آقا سید یعوب - کافی نیست .

مؤید احمدی - بنده مخالفم .

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده عقیده ام این است که این موضوع مهمی است اصطلاحاتی دارد با يك قوانین اجازه بفرمایید که همه آقایان نظریاتشان را در این موضوع بفرمایند و اگر اجازه بفرمایید بنده نظریاتم را عرض کنم

عده از نمایندگان - بفرمایید

مؤید احمدی - بنده در جواب فرمایشات آقای وزیر خارجه عرض میکنم اولاً مجلس و همه آقایان از کلیه اقدامات دولت تشکر دارند مخصوصاً از الغاء امتیازشوش و البته همان فرمایشی را که فرمودید ما همه معتقد هستیم که آثار صنعتی و تاریخی ایران باید حفظ شود ما هم این عقیده را داریم تمام این فرمایشاتی که فرمودید ما هم معتقدیم. لکن چیزی که هست این لایحه بعقیده بنده بد تنظیم شده ممکن است ما جوروی این لایحه را تنظیم کنیم که با اصول کلیمان هم بر نخورد فرمودید تحت جشید با فلان این آثار در ایران دو قسم است يك قسم آثاری است مال قبل از اسلام اینها البته امروز هیچکس

مدعی مالکیت خصوصی آنها نیست

رئیس - اینطور که آقایان بیرون تشریف میبرند مجلس را نمیتوانم اداره کنم

مؤید احمدی - تحت جشید هیچکس ادعای مالکیتش را نمیکند دولت هم هر عملیاتی میخواهد برود آنچه بکند يك قسم آثاری است مال بعد از اسلام آنها هم همانطور که فرمودید مدارس است مشاهده است که هیچکس مداخله درش ندارد و جزء اموال عمومی است و دولت میتواند همه جور او را حفظ کند اما این لایحه همانطور که آقای طلوع هم شرح دادند اولاً بنده خیلی خوشوقتم که آقای وزیر اقتصاد خودشان معلم علم حقوق هستند يك موادی در این لایحه دارد که با اصول کلیه ما مخالف است یکی از اصول کلیه ما این است که این قانون بر مبادر سلب میکند سلطنت مالک را از ملك و مال او گذشته از این قاعده کلی که بنده میخواهم اینجا عرض کنم الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم است در این قاعده بنده دیده ام که خیلی بطرف افراط و تفریط رفته اند حتی یکی از علما که اسمش را نمیبخوام بیرون نوشته است بقوله تعالی الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم که تصور کرده است آیه قرآن است این آیه قرآن نیست متن خبر هم نیست این قاعده کلی عقلی است که انسان که دارای يك مالکیتش البته این تسلط دارد بر مالک یا بر نفس خودش و همین قاعده هم در دوجا منقوض است یعنی اگر تسلط خودش را بخواد بر نفس خودش بطور سوء استعمال کند آنچه جلوش را میگیرند کسی بگوید من تسلط بر نفس خودم هستم و ستم الفار میخورم البته جلوش را میگیرند برای اینکه اتحار کار غلطی است و حرام است یا يك کسی بگوید این خانه مال من است میخواهم يك مناره بسازم - میصد متر ارتفاع آفتاب خانه همسایه را جلوش را میگیرد آنچه البته حق ندارد اصطلاحاً بکنند بقاعده لاضرر و او وارد است بر این باقی دیگرش یعنی وقتیکه مضر بنوع نباشد مضر بفلان نباشد این قاعده را میشود هم زد اگر این قاعده را هم زدیم دیگر هیچ چیز برای

کسی باقی نماند این است که اصل ۱۷ قانون اساسی این نقطه نظر را حفظ کرده اصل هفدهم میگوید سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفی ایشان هر عنوان که باشد ممنوع است مگر بحکم قانون نه بموجب قانون که آقای دکتر حسن خان چند روز قبل این موضوع را خوب تشریح کردند یعنی محکمه حکم کند که این ملك متصرفی من را از دستم بگیرند آنوقت میشود این را بر داشت پس بیائیم اینجا يك قانونی وضع کنیم که سلب تسلط مالکین را از اموالشان بکند از خانه هاشان بکند این بکلی این اصل مسلم را بهم میزند این است که بنده در چند ماده خصوصاً یاد داشت کردم چند ماده هست که با آن اصل کلی اصطلاحاً میکند و اگر ما مخالفت میکنیم از این نقطه نظر است نه با نظریاتی که جناب اجل عالی بیان کردید ما موافقیم مخالف نیستیم همه میگوئیم آثار ملی را باید حفظ کرد همه میگوئیم شهر شوش را خوب درست کرده اند شهر ری را خراب کرده اند تحت جشید را هم میگوئیم که نباید خراب کنند مدارس را هم باید حفظ کرد کلتی ها را هم نباید بدزدند بپزند تمام این فرمایشات حضرت عالی را موافق هستیم لکن با آن موادی که با آن اصل کلی مخالفت میکند نمیشود موافقت کرد بنده يك خانه داشته باشم فردا بخوام زمین آن خانه را بکنم مثلاً بنده يك سردابی هم پیدا شد آنوقت مرا بگیرند بنده دو هزار تومان جریمه کنند این خیلی کار بدی است (کفیل وزارت اقتصاد ملی - اینطور نیست) در ماده هست که از پنج تومان تا دو هزار تومان تصریح دارد در ماده . با حق نداشته باشد مثلاً ملاحظه بفرمایید در يك ماده هست که اگر آثار عتیقه در خانه اش باشد اطلاع ندهد آن آثار را که تعیین هم فرمودید همینطور که فرمودید يك قطعه خط میر عماد همه کس در خانه اش دارد يك جلد قرآن قدیمی همه کس دارد باید با اجازه شما باشد حالا این وقتی که با اجازه شما سلب سلطنت از من میکنند (کفیل وزارت اقتصاد ملی -

نیت اینطور) یا اینکه فلان آدم آمد خرید نصف قیمت را بوش میدید بنده دیگر کسی را بخانه ام راه نمیدهم اطمینان ندارم روی اینکه میروم اطلاع میدهم پس این لایحه را خوب است حضرت اجل عالی پس بگیريد يك مطالعه درش بکنید و مجدداً در کمیسیون این مواد را مطالعه بکنند يك نظری درش بکنند آنوقت همه موافقت خواهیم کرد

کفیل وزارت اقتصاد ملی - بنده عرض کردم که وقتیکه بنای بحث شود و شور در مواد بنده یکی یکی این مواد را حاضرم که در مقابل شما ثابت کنم که اشتباه کردید از آن تصویری که کردید اشتباه کردید اینطور نیست که يك کسی يك خط میری در خانه اش داشته باشد ببرند او را دو هزار تومان جریمه بکنند توجه فرمودید در معنی قانون و این اشتباه برایتان حاصل شده است بنده حاضرم که داخل شوم در مباحثه آنچه بر شما اشتباه شده بنده ظاهر کنم که آن نگرانی که دارید نیست و اگر نتوانستم بنده متعهد هستم که پس بگیرم ولی این لایحه با مطالعات کامل نوشته شده بنده عرض نمیکنم هیچ اشتباه نشده ممکن نیست يك کسی يك بشری که ابتدا بکاری میکند اشتباه نکند بخصوص بعد از آنکه در کمیسیون مذاکرات کردیم و آقایان يك نظریاتی داشتند بنده خودم يك نظریاتی بعد از پیشنهاد کردن قانون برایم آمد در کمیسیون گفتیم و اصلاح کردیم يك نظریاتی آقایان برایشان آمد اظهار کردند بنده قبول کردم و اصلاح کردیم لایحه را بنده پس نمیگیرم و اطمینان میدهم به آقایان بنده هم مجبور نکردم کسی را که بر خلاف عقیده خودش رأی بدهد هر ماده که دیدید صلاح است و ثابت کردم بشما که بی عیب است رأی بدهید هیچ اجبار و الزامی نیست چون میدانید که بنده غرضی در این قانون ندارم چه فایده برای من دارد من نه حفرم نه مخالف حفرم نه ملاکم نه مخالف ملاکم اصل مالکیت را هم خودم قبول دارم خیلی هم اصل مقدسی میدانم مصلحت دنیا را هم در این میدانم که اصل مالکیت محفوظ و متزلزل نباشد هر قدر هم بتوانم در

این کار مجاهدت میکنم که این اصل بر قرار بماند و مسلماً هم میدانید بنده نه مسلک بلشویکی دارم نه مسلک سوسیالیستی و در کتابی هم که در اکونومی پلتیک یعنی در علم ثروت نوشته ام بپرسید و به بینید که چقدر آنجا مصر بوده ام که مصلحت در این است که این اصلی را که فرمودید که الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم من خودم این را قائلم (کازرونی - ما از کلمه بلشویک میترسیم) و ملتفت مطالب هم هستم اما حالا در ضمن يك چیزی میخواهم يك قدر بطور مزاح عرض کنم که اگر آقایان تفسیر قانون را اینطور میگویند که حالا بنده یکی دو فقره اش را شنیدم بفرمایند میتوانم عرض کنم حق با آنکسانی است که در خارج تفسیر میکنند میفرمایند آقای دکتر این طور فرمودند که در این عبارت قانون اساسی که مبنویسد سلب تسلط مالکیت مالکین نمیشود کرد مگر بحکم قانون یعنی بحکم محکمه. اینطور نیست آقایان. تصرف مالک را محدود نمیتوان کرد مگر بموجب قانون. یعنی مجلس شورای ملی رأی بدهد که در فلان مورد فلان طور شود بحکم قانون معنایش این نیست یعنی بحکم محکمه. البته قانون تکلیف معین می کند در مواردی که قانون وضع شد حق ایجاد میشود در مواردی که در سر حق اختلاف پیدا میشود آتوقت يك کسی باید رفع این اختلاف را بکند و آن محکمه است. قانون مثلاً حق معین کرد از برای دولت که مالکیت اشخاصی را در ملک خودشان محدود کند برای اینکه مالیات بگیرد مالیات گرفتن محدود کردن حق مالکیت نیست؟ (کازرونی خیر نیست) - هست من که مالک مالی هستم بچه دلیل شما میآید مالیات میگیرید؟! پس مطابق همین اصل قانون دولت را ذی حق کرده که در يك مواقعی مالکیت مردم را نسبت بمالشان سلب کند کلاً یا بعضاً. بعضاً مورد مالیات است. حالا این حق ایجاد شد بموجب قانون از برای دولت اگر در يك موقعی بین يك فرد و دولت اختلاف شد در سر این حق دولت میگوید اینمورد موردی است که قانون من

حق داده. آن شخص میگوید خیر آقا اشتباه کردهاید این مورد آن موردی نیست که قانون بشما حق داده باشد انیروا ما نمیدانیم اینها يك چیز هائی است که مسلم است بنده میخواهم در بیاناتم استناد کنم به این فقره و همین اصل همانطوریکه گفتند بنده عربی نمیخواهم ذکر کنم آیه قرآن و مثل عربی و اینها کار من نیست وظیفه من نیست. و الا میگفتم قانون عام الا و قدخص

آقا سید یعقوب - آقا این نه آیه است نه خبر

کفیل وزارت اقتصاد ملی - بنده عرض میکنم

قانون اساسی ما حقوق برای مردم معین کرده اما خود قانون اساسی هم حدی برای آن معین کرده است آن حد قانون است آزادی که قانون اساسی مگر آزادی مردم نداده که هر شخص آزاد است الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم. این عبارت شرعی و عربی آن است قانون اساسی هم گفته مردم آزادند اما آن اصل عمومی را که هم قانون اساسی بماداده و هم قبل از او شرع بماداده و قانون اساسی هم تجویز کرده است حدود کردن آنرا چنانچه در يك مواردی دولت حق دارد بنده را بگیرد ببرد حبس کند پس هم تسلط بر نفس و هم تسلط بر مال یا باصطلاح ما متجددین هم آزادی شخصی و هم آزادی مالی بجای خودش مسلم اما برای صالحی مجلس شورای ملی که مقنن است حقدار بموجب قانون آن آزادیرا یا بکلی سلب کند یا محدود کند. حالا میفرمائید که آتقانون اصطلاحاً بکند یا آن اصل بنده میگویم پیدا نمیکنند زیرا اگر من بآختیار خودم بدون اجازه مجلس شورای ملی یعنی بدون قانون هر قسم عملیات میکردم در ملک مردم آتوقت شما حق داشتید بگویند مخالف قانون اساسی عمل کردی ولی میآیم اینجا میگویم قانون بگذرانید شما که قانون اساسی بهتان حقداده است که این تحدید را بکنید برطبق مصلحت بکنید فقط چیزیکه شما میتواند بفرمائید اینست که بفرمائید مصلحت در اینجا

اجازه نمیدهد که من این کار را بکنم بنده را می بینید چقدر خوب مطالب را ملتفتم و حزب تشریح میکنم همه چیز را در مواد بفرمائید بعداز آنکه اجازه دادید که من نظریات خودم را بگویم و توضیحات لازم را دادم آتوقت بفرمائید که در اینجا با اینهمه توضیحاتیکه تودادی من ندیدم که اینجا مصلحت ایجاد کند که من فلان حد را برای ملک مردم معین کنم و برای مالکیت مردم حدی تعیین کنیم خوب اگر نظر تان اینطور گرفت هرطور نظر تان گرفت رای بدهید ولی بنده امیدوارم در اکثر مواد شما را قانع کنم چونکه حاضر از برای اینکه يك مباحثه منطقی و علمی بکنیم بدون حرارت و نمانا هم دارم که حرارت نکند بدون حرارت مثل در نفر آدمی که میخواهند با هم درس روان کنند میگوئیم و میشنویم بحث علمی میکنیم یا شما قانع میشوید یا بنده جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادی از آقای دشتی رسیده است قرائت میشود:

بنده پیشنهاد میکنم لایحه از دستور خارج شود

رئیس - آقای دشتی

دشتی - علت اینکه بنده این پیشنهاد را کردم این است که این لایحه از غیر مجرای قانونی خودش تقدیم مجلس شورای ملی شده عرض کنم این لایحه را حتماً باید وزیر معارف پیشنهاد کند اینجا در ماده پنجم - قانون اداری معارف این قید شده است - ماده پنجم - وظایف اداره معارف - (۱) مراقبت در امور تعلیمات عالی و فرستادن شاگرد بخارج (۲) تشکیل کتابخانه و مجموعه های علمی و تاریخی (۳) تاسیس موزه های تاریخی و علمی و صنعتی (۴) تحصیل عقیدت و نظارت در حرفیات (۵) نگاهداری آثار قدیمه و حفظ آنها از اندراس و فنا - الی آخر عرض کنم اینها نشان میدهد که این قسمت کارها از وظایف وزارت معارف است و این لایحه را حتماً باید وزیر معارف تقدیم مجلس کند و تقدیم آن از طرف وزارت اقتصاد ملی هیچ

معنی ندارد بنده نمیدانم بچه مناسبت آقای کفیل وزارت اقتصاد ملی تشریف آورده اند و این لایحه را تقدیم مجلس کرده اند از خارج ما آنطوریکه اطلاع پیدا کرده ایم این بوده که وزیر معارف مخالف با این لایحه بوده آیا چطور میشود يك لایحه را که وزیر مسئول او مخالف باشد او را بمجلس بیاورند (یکی از نمایندگان - مانعش چیست) آتوقت مسئولیت مشترک است يك لایحه که تقدیم مجلس میشود باید تمام هیئت دولت در آن موافق و شریک باشند مانعش این است عرض میکنم دلایلی هم که آقای فروغی فرمودند وافی بمقصودشان نبود یعنی دلایلشان اخص از مدعی بود دلایل مطابق باسئوالات و اعتراضاتیکه آقایان نمایندگان کردند نبود ملاحظه بفرمائید ایشان از تحت جمشید صحبت کردند که اگر ما میخواهیم برویم تحت جمشیدرا حفظ کنیم فلانکس میگوید مال من است در صورتیکه این امکانه تاریخی مال يك شخصی نیست هیچکس هم معارض با آنها نیست متأسفانه دولت هیچ اقدامی برای حفظ آنها نکرده است مسجد شاه اصفهان را ملاحظه بفرمائید تمام ترك خورده کاشیهای ریخته و خراب شده يك وجب گردد و خاک روی تمام کاشیها است بروید تحت جمشید را نگاه کنید بدون پاسبان بدون نگهبان هرکس میرود در آنجا هرچه میخواهد میکند دیوارهای آنجا را نشان میکنند در اردبیل و مشهد و اغلب جاهای تاریخی و امکانه بزرگ ما که حفظ آنها از وظیفه درجه اول دولت است و برای همان مصالحی که خود آقای کفیل وزارت اقتصاد ملی گفتند یعنی برای حفظ شرافت و اعتبارات تاریخی ایران باید حفظ شود اینها همه باهمال و مسامحه گذشته یکی دیگر از وظائف مهم دولت اینست که این آثار ملی که دارد جمع کند و برود موزه درست کند کدام موزه رادرست کرده اند و بهیچوجه آن وظایف خودشانرا عمل نکرده اند و حالا يك لایحه آوردند و میخواهند مردم را گرفتار کنند بنده عقیده ام اینست که اول از همه دولت باید

کفیل وزارت اقتصاد ملی -- اما اینکه فرمودند این لایحه از غیر مجری خودش آمده اینطور نیست این لایحه بنده عرض کردم چندین حیثیت دارد. یکی حیثیت اقتصادی است. و بنده از این جهت این را پیشنهاد کردم. البته در ضمن حیثیت علمی هم دارد در آن قسمت علمیش باوزارت معارف است و وزارت معارف ذینفع است اینکه فرمودند بنده بر خلاف نظر وزارت معارف کار کردم اینطور نیست بنده تنها اینکار را نکردم و این قانون را همه کس میدانند با موافقت هیئت دولت پیشنهاد کردیم که وزیر معارف خودش هم جزو هیئت دولت است و علاوه بر اینکه خودش جزو هیئت دولت است و اینرا میداند علاوه با او مذاکره کردیم و اگر مخالف بودند مخالفت خودشانرا میکردند و اگر هم فرضاً ما مخالفت ایشانرا محل اعتنا قرار نمیدادیم حق داشت اعتراض کند پس اگر وزیر معارف این لایحه را نداده دلیل بر اینکه ایشان مخالف بودند نیست اما اینکه فرمودند بنده تأسف میخورم از اینکه آقایان کاملاً مطالعه نکرده و مباحثه نکرده یک اصولی را در نظر گرفته اند و میفرمایند سلب مالکیت میشود بنده نمیدانم کجای این قانون سلب مالکیت میکند مگر تصریح کردیم که اگر در ملک کسی اموالی پیدا شد بملکیت او باقی باشد منتها نسبت به اموال منقوله ما گفتیم چی کردیم یک کاری کردیم برفع مردم و گفتیم کسانیکه یک اموالی دارند که جزو آثار ملی است اینرا بدولت اطلاع بدهند و یک سند و قبالة برای این بنویسند و یک تصویبنامه بدست او بدهند که آقا مالک فلان قطعه خط میر است که در کجا بوده و چطور بوده این اعتبار میشود از برای مال او نگفتند که هر کس مالک این مال باشد بیارود بدولت بدهد منتها گفتند اگرخواست بفروشد دولت حق تقدم داشته باشد این کجا سلب مالکیت میشود ما گفتیم که اگر یک کسی بخواهد یک چیزی را بفروشد و برای خودش نگاه ندارد اگر صد تومان دیگری از او میخرد منته از او صد تومان میخرد صد تومان من که با صد تومان دیگری تفاوت ندارد

وظایف خودش را انجام کند یعنی آثار ملی موجوده را حفظ کند و آنها را بیکه پراکنده است جمع آوری کند بعد لایحه بیارود اساساً ما موافقیم که لایحه راجع بحفریات داده شود اما نه باین شکل لایحه باید متضمن جاهای مهم باشد یعنی همین شهرری که فرمودند در لایحه نوشته باشد شهرری با جاهای دیگر هیچکس حق ندارد در اینجا حفریاتی بکند مگر با اجازه دولت با اینکه بطور مطلق نوشته شود که هیچکس حفاری بعنوان کشف آثار عتیقه نمیتواند بکند مگر با اجازه دولت اما اینطور که این لایحه را تنظیم کرده اند آنوقت تمام اشیائی که در تصرف اشخاص است اینها بهش لطمه زند و اینکه علمز باشند بدست دولت بدهند این همان اشکالی است که آقای مؤید احمدی هم فرمودند. و این مخالف با قانون اساسی است و الا اگر ما بگوئیم که قانون اساسی است و سر جای خودش صحیح است ولی مجلس هم میتواند قانون وضع کند که او را تحدید کند این نمیشود. قانون اساسی باید مقدس باشد (صحیح است) باید دور از تعرض اشخاص باشد. قانون که وضع میشود باید در حدود قانون اساسی باشد و الا اگر قانونی بخواهند وضع کنند که سر سوزنی تماس داشته باشد با قانون اساسی این نمیشود و قانونیت ندارد یعنی فقط قوانین باید در حدود قانون اساسی نوشته شود و الا معنی ندارد. این مسائلی را هم که میفرمائید مالیات ما میگیریم این سلب مالکیت است مالیات یکی از آن چیزهایی است که باید داده شود در قانون اساسی هم تصریح دارد سلب مالکیت نیست اما یک جاهائی که سلب مالکیت میکند اگر دولت خیلی علاقه مند است از یک کسی یک قطعه خط میر دارد دلش میخواهد بفروشد باید اینقدر پول باو بدهد که او خودش بیارود تقدیم دولت ایران بکند که او در کلکسیون خودش بگذارد. بنده تقاضا کردم از دستور خارج شود برای اینکه ثانیا این لایحه بکمسیون بر گردد و از نظر آقایان و کلا بگذرد و بشکل بهتری تنظیم شده و به مجلس بیاید (صحیح است)

اگر نواقصی هم لایحه دارد بنده حاضرم رفع کنم میفرمائید نخت جمشید ملک کسی نیست نخت جمشید را بنده نمیدانم ملک کسی هست یا نه ولی بنده میدانم که محل قبر کورس ملک مرحوم صنایع الدوله است و خیلی موارد هم هست که ملک مردم است و وقتیکه گفتیم و شما دانستید آنوقت تصدیق میفرمائید که نباید حق داد بورنه مرحوم صنایع الدوله (حالا بورنه مرحوم صنایع الدوله خودشان یک مردمانی هستند که این چیزها را میفهند) ولی حالا فردا اگر خواستند بفروشند بکسی و او خواست اینجاها را خراب کند و زراعت کند چکار میکنید اجازه میدهید که خراب کند تا این اندازه اصل مالکیت را قوت میدهیم و آنکهی میفرمائید مجلس شورای ملی حق دارد قانون بگذارد در حدود قانون البته اما بالاخره میدانید یکی از تعریفات قانونی چیست یکی از تعریفات قانونی در علم حقوق این است حدیکه مقنن میگذارد از برای حقوق مردم تعریف اساسی قانون اینست اینکه میگویند قانون حدی است که مجلس شورای رأی میدهد این نیست این صورت ظاهری است تعریف واقعی قانون در علم حقوق اینست قانون آن حدودی است که مقنن حق دارد بگذارد برای حقوق مردم یعنی آنکسیکه حقدار قانون بگذارد که بموجب قانون اساسی مشخص شده بخصوص در جائی که خود قانون اساسی هم این حق را به مقنن داده باشد اگر باز یک جائی باشد که قانون اساسی گفته باشد که مقنن هم هیچ نمیتواند این اصل را محدود بکند باز یک چیزی است اما در موادی که بخصوص ذکر نشده حکم مسئله اینطور است که عرض کردم مگر اینکه قانون حق برای او بدهد حق چه چیز است حق چیزی است که قانون از برای او قرار میدهد قانون حق است اما قانون که فرضاً یک حدی قرار میدهد این از قانون اساسی در نمیآید این از مصلحت برمیآید تشخیص مصلحت هم از وظایف مجلس شورای ملی است بنده که عرض کردم من که حق را بشما میدهم شما چرا از مجرای خودش خارج میکنید بنده که عرض کردم تشخیص اینکه

آیا مصلحت است که فلان حق را در فلان مورد قرار بدهید این با مجلس شورای ملی است اگر تشخیص دادید حق دارید بکنید و اگر هم تشخیص دادید حق ندارید بفرمائید حق نداریم ولی بنده میگویم حق دارید بکنید **کاترولی** -- مجلس حق سلب مالکیت دارد ؟

کفیل وزارت اقتصاد ملی -- حالا بنده کار ندارم اما جواب مطالبیرا هم که فرمودند بنده ندادم بواسطه خاطر اینکه عوض اینکه نیمساعت حرف زدم آنوقت مجبور بودم پنجساعت حرف بزنم زیرا یک کلمه ایراد کردن باینکه فلان ماده مخالف فلان اصل است یا نیست یا ثابت کنیم مخالف فلان است یا نه این دو ساعت کار دارد این بود که بنده وارد نشدم و الا عرض کردم اگر وارد شویم بنده یکی یکی از مواد را بنده ثابت میکنم خلاف اصل نیست و مصلحت هم هست ولی تشخیص با شما است بنده میگویم البته شما اگر مصلحت دانستید و تشخیص دادید مصلحت است بکنید و اگر دیدید مصلحت نبود نکنید (جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است)

رئیس -- آقایان اینکه با خروج از دستور این لایحه موافقتند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد. آقای عراقی پیشنهاد ختم جلسه کرده اند (صحیح است)

(در این موقع یکی از نمایندگان از مجلس خارج میشدند)

رئیس -- تامل بفرمائید آقا تا تکلیف را معلوم کنیم **جلسه آینده فردا (یکشنبه سه ساعت قبل از ظهر)** نهایت این است که مقدم بر لایحه حفظ آثار عتیقه اداره مباشرت مجلس چند فقره لایحه دارد آنرا مقدم میداریم (صحیح است)

آقای سعید یعقوب -- یک پیشنهادی هم پیشنهادی نماینده ها است ماده پیشنهاد کرده اند بقید فوریت اینرا هم استدعا داریم جزو دستور مقدم قرار بدهید

رئیس -- بسیار خوب البته بعد از این لوایحی که گفته شد (مجلس یکربع ساعت از ظهر گذشته ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - داد